

# علم أصول الفقه

٨

٩٢-١٠-١٨ روش شناسی

دراسات الاستاذ:  
مهدي الهادي الطهراني

## بخش دوم: روش شناسی علم اصول فقہ

- اینک پس از آشنایی اجمالی با روش شناسی علوم مختلف به بحث اصلی که روش شناسی علم اصول فقہ است، می پردازیم.
- در روش شناسی این علم هم همانند روش شناسی سایر علوم می خواهیم بدانیم چگونه یک عالم اصولی مقدمات فکر خود را سامان می دهد و چگونه از این مقدمات استفاده می کند؟ یعنی آنها را در چه قالب هایی می ریزد؟

## بخش دوم: روش شناسی علم اصول فقه

- البته ما در شیوهی آموزشی سنتی حوزه‌های علمیه، روش را عملاً یاد می‌گیریم. با مطالعه‌ی مستمر استدلال‌های اصولی با روش استدلال اصولی آشنا می‌شویم و کم‌کم خودمان هم می‌توانیم بر اساس همان روش به بررسی و نقد استدلال‌ها پردازیم.

## بخش دوم: روش شناسی علم اصول فقه

- اما در بحث روش شناسی ما در واقع می‌خواهیم بیرون از خودِ علم به علم بنگریم و ببینیم عالمی که در این علم مشغول مطالعه است و مسایل را حل می‌کند و مجهولات را معلوم می‌نماید، از چه روشی بهره می‌گیرد؟
- مسیر حرکت او و مسیر فکر او چیست و چگونه اطلاعات لازم برای حل یک مسأله و پاسخ به یک پرسش را به دست می‌آورد و در نهایت پرسش را پاسخ می‌دهد؟

## بخش دوم: روش شناسی علم اصول فقه

- در بررسی‌های روش شناسانه ابتدا نگرش توصیفی داریم؛ یعنی آنچه را که یک دانشمند در یک دانش انجام می‌دهد، صرفاً توضیح می‌دهیم.
- در لابه‌لای این بحث توصیفی به نقد و بررسی هم می‌پردازیم که آیا روشی که برای پاسخ‌گویی به سؤال به کار رفته، یک روش تام و کامل است یا خیر؟
- اگر کامل نیست چه نقطه‌ها و نکته‌هایی باید مورد توجه قرار گیرد تا نتیجه‌ای که به دست می‌آید، نتیجه‌ی کامل و صحیحی باشد.

## بخش دوم: روش شناسی علم اصول فقه

- از این رو در انتهای یک بحث روش شناسانه هر چند که خود آن بحث را به شیوه‌ی توصیفی پی می‌گیریم، در واقع به نوعی دستور دست پیدا می‌کنیم.
- به همین دلیل روش شناسی به عنوان یک دانش دستوری تلقی می‌شود، در حالی که در خود روش شناسی ابتداءً به صدور دستورات دست نمی‌زنیم، بلکه به یک مطالعه‌ی توصیفی می‌پردازیم.

## بخش دوم: روش شناسی علم اصول فقه

- در این بحث، یعنی بحث روش شناسی علم اصول، ما همین راه را طی می‌کنیم.

## بخش دوم: روش شناسی علم اصول فقه

- ما تلاش می‌کنیم بدانیم اصولی‌ها از چه روش‌هایی برای پاسخ‌گویی به سؤالات اصولی استفاده کردند و این روش‌ها را چگونه به کار گرفتند؟



## بخش دوم: روش شناسی علم اصول فقه

- و بعد نکته‌هایی را بیابیم که در حاشیه‌ی هر یک از این روش‌ها وجود دارد و باید در هنگام پاسخ‌گویی به یک سؤال اصولی به آن نکته‌ها توجه نمود.
- و احیاناً به جبران نواقصی پردازیم که در بعضی از این روش‌ها وجود دارد و باید در هنگام پاسخ‌گویی به آن نواقص توجه داشته باشیم. در نتیجه در نهایت ما به نوعی دستور برای مطالعه در یک زمینه‌ی خاص یا یک روش خاص دست پیدا می‌کنیم.

## بخش دوم: روش شناسی علم اصول فقه

- بنابراین ما در اینجا ابتداءً قصد نداریم که روش‌های به کار رفته در اصول را نقد کنیم و همه‌ی آنها را غلط و اشتباه فرض نماییم و همین‌طور نمی‌خواهیم ابتداءً به ابداع روش‌های جدید پردازیم و این روش‌ها را به روش‌های قبلی بیفزاییم.

## بخش دوم: روش شناسی علم اصول فقه

- ما ابتداءً به تحلیل روش‌های اصولی می‌پردازیم. وقتی دقیقاً معلوم گردید اصولی‌ها چگونه مسایل را حل می‌کنند، روش‌های به کار رفته را ارزیابی می‌نماییم تا در یابیم که آیا اصولی‌ها با استفاده از آن روش‌ها واقعاً نتایجی را که در علم اصول مورد توقع است، به دست می‌آورند یا خیر؟ یعنی آیا این روش‌ها چنین نتایجی را در بر دارند یا ندارند؟

## بخش دوم: روش شناسی علم اصول فقه

- اگر چنین نتایجی حاصل به کارگیری آن روش‌ها باشد، ما دیگر فراتر از آنها نخواهیم رفت. اما اگر نتایج مطلوب به دست نیاید، اینجا است که باید کاستی‌هایی را که در این روش‌ها وجود دارد، معلوم کنیم و راه‌حلی برای جبران آنها مطرح نماییم.
- و البته اگر در این جست‌وجو در یابیم که می‌توان از روش‌های دیگری (غیر از آنچه در علم اصول تا حال شناخته شده و تا حال مورد استفاده قرار گرفته) استفاده نمود تا به نتایج مورد نظر علم اصول دست یافت، آن روش‌ها را عرضه خواهیم کرد.

## بخش دوم: روش شناسی علم اصول فقه

- پس در درجه اول تمام همّ ما این است که دقیقاً بفهمیم اصولی‌ها چه می‌کنند.
- فهم این مطلب شاید مهم‌ترین بخش در این تحلیل باشد و مسلماً باقی بحث‌ها متوقف بر آن است.
- چرا که اگر چنین کنیم و ابتداءً به طرح و عرضه‌ی راه‌های نو پردازیم، چه بسا راه‌حلی‌هایی را که به عنوان راه‌حل نو و جدید عرضه می‌نماییم، همان باشد که اصولی‌ها از آنها بهره گرفته‌اند.

## بخش دوم: روش شناسی علم اصول فقه

- نکته‌ای که توجه به آن مهم است و قبلاً نیز به آن اشاره کردیم، ارتباط بین متدلوژی و مبنای یک دانش است.
- پذیرش یک مبنا یا انکار آن در به کارگیری روش تأثیر می‌گذارد.

## بخش دوم: روش شناسی علم اصول فقه

- به طور مثال وقتی اصولی، حجیت عقل را می‌پذیرد و راهی به نام عقل می‌گشاید، قاعدتاً از روش عقلی بهره می‌گیرد؛ در حالی که یک اخباری با انکار حجیت عقل از چنین روشی استفاده نمی‌کند.
- پس بین مبانی‌ای که انتخاب می‌کنیم و روش‌هایی که به کار می‌گیریم، یک ارتباط منطقی وجود دارد و مبانی در روش تأثیر می‌گذارند.

## بخش دوم: روش شناسی علم اصول فقه

- اما چه روش‌هایی در علم اصول فقه به کار می‌رود؟ اصول از مجموعه مسایل گوناگونی تشکیل شده است. به همین دلیل اصولی‌ها با روش‌های گوناگونی به بحث می‌پردازند.
- در واقع مجموعه‌ی علم اصول روش واحدی برای پاسخ‌گویی به سؤالات ندارد.



## بخش دوم: روش شناسی علم اصول فقه

- حتی در یک مسأله گاهی روش‌هایی که برای پاسخ‌گویی به کار می‌رود، متفاوت است.
- یعنی یک اصولی از یک روش استفاده می‌کند و اصولی دیگر از روش دیگر و این به دلیل تفاوت مبانی‌ای است که اصولی‌ها دارند.

## بخش دوم: روش شناسی علم اصول فقه

- آنچه در پیش رو دارید، مجموعه‌ی روش‌هایی است که اصولی‌ها در علم اصول فقه به کار می‌برند. همان‌طور که ملاحظه خواهید کرد، سه روش یعنی روش عقلی یا فلسفی، روش عرفی یا فقهی و روش نقلی، روش‌هایی هستند که از گذشته در بین اصولی‌ها رایج بوده است.
- از این رو، در ابتدای این بخش از نوشتار به توضیح و شرح این سه روش در سه فصل می‌پردازیم و سپس در فصول دیگر بررسی این روش‌ها و شرح روش‌های دیگر را پی خواهیم گرفت.

## بخش دوم: روش شناسی علم اصول فقه

• خیلی از اصلاحاتی که در روش شناسی مطرح می‌شود، اصطلاحاتی نیست که مورد توافق و تسالم همه باشد و همه صددرصد آنها را پذیرفته باشند. بسیاری از این مصطلحات کاربردهای مختلفی داشته‌اند و برداشت‌های مختلفی از آنها شده است. از این رو، در بحث روش شناسی علم اصول فقه - که کمتر توسط دیگران مطرح شده است - سعی می‌کنیم اصطلاحات را با تفسیری که در این علم مورد نظر است، توضیح دهیم و آنها را از سایر اصطلاحات روش شناسی جدا نماییم. زیرا اگر از مصطلحات معروف به همان شکل استفاده کنیم، ممکن است این تلقی به وجود آید که ما دقیقاً همان را که در مثلاً جامعه شناسی یا در هر علم دیگر مطرح شده، مد نظر داریم. در حالی که این طور نیست. ما ممکن است در اصول از روشی استفاده کنیم که شبیه آن در جای دیگر هم مطرح شده است؛ اما دقیقاً همان نیست. به طور مثال همان طور که در علم روان شناسی مطرح کردیم، روش ذهنی در آنجا شبیه به بحثی است که در ارتکازات عقلایی اصول بیان می‌شود؛ ولی این فقط شبیه است. زیرا اصولی اصلاً کار روان شناسی نمی‌کند و اصلاً از منظر روان شناسی به این بحث نمی‌پردازد. پس اگر گاهی اصطلاحات را تغییر می‌دهیم، برای این است که دقیقاً بر آنچه دیگران گفته‌اند، تطبیق نشود.

## بخش دوم: روش شناسی علم اصول فقه

- همین جا اشاره کنیم که وقتی انسان مطلبی را نمی‌داند و در دانش خاصی، تخصص ندارد، در برخورد با اصطلاحات و مطالب آن دانش ممکن است گمان کند اینها ساخته و پرداخته‌ی ذهن گوینده است که این مطالب را بیان می‌کند. بعد که کم‌کم با دانش آشنا می‌شود، نظر دیگری پیدا می‌کند. در این موقع چون ابتدای هر دانشی مطالب به صورت قطعی و مسلم ذکر می‌شود، این شخص تصور می‌کند مطالب این دانش خیلی واضح و قطعی و مسلم و روشن است. اما وقتی در همان دانش به تخصص لازم می‌رسد درمی‌یابد که آن دانش نه آنقدر که قبل از ورود به دانش فکر می‌کرد، بی‌ربط و نامربوط است و نه آن طوری که در اوایل ورود در دانش تصور می‌نمود، متقن و قطعی است. روش شناسی و علمی از این سنخ این چنین هستند. در روش شناسی یک توافق و تسالم صددرصد حتی در مصطلحات وجود ندارد.

## بخش دوم: روش شناسی علم اصول فقه

- همچنان که با مطالعه‌ی مسایل فقهی و روش‌هایی که فقها در فقه به کار می‌برند - که این روش‌ها در قالب یک محتوا در یک مسأله‌ی خاص عینیت پیدا می‌کنند و مستقل از یک مسأله و محتوا نیستند - با روش فقاہت و روش استدلال‌های فقهی آشنا می‌شویم.

## بخش دوم: روش شناسی علم اصول فقه

- روش شناسی از این جهت شبیه منطق است. در منطق به مطالعه‌ی اندیشه می‌پردازیم و از رهگذر مطالعه‌ی اندیشه - یعنی مطالعه‌ی توصیفی - به دستوراتی برای اندیشه‌ی صحیح دست پیدا می‌کنیم. به همین دلیل منطق را یک دانش دستوری تفسیر می‌نماییم؛ هر چند که در خودِ منطق ابتداءً کار توصیفی انجام می‌دهیم.
- ر.ک: همین نوشتار، مبحث روش در روان شناسی.

## روش عقلی یا فلسفی

- فصل اول روش عقلی یا روش فلسفی
- برخی از مسایل در علم اصول با روش عقلی مورد بحث قرار می‌گیرد. مقصود از روش عقلی همان روشی است که در فلسفه و منطق به کار می‌رود.

## روش عقلی یا فلسفی

- تمام بحث‌های غیر مستقلات عقلیه - مثل بحث ضد، بحث اجتماع امر و نهی، بحث مقدمه‌ی واجب - و همچنین برخی از اصول عملیه مثل براءت عقلی، احتیاط (که اصولی‌ها آن را می‌پذیرند و از آن به احتیاط عقلی تعبیر می‌کنند) و تخییر (البته تخییر در دوران بین دو محصور) همه با روش عقلی مورد بحث و مطالعه قرار می‌گیرند.



## روش عقلی یا فلسفی

- گاهی در برخی مسایل دیگر نیز، بعضی از اصولی‌ها از روش عقلی استفاده می‌کنند و برخی دیگر در همان مسایل به روش‌های دیگر تمسک می‌نمایند.
- مثلاً در بحث استعمال لفظ در پیش از یک معنا، برخی مثل صاحب کفایه از روش عقلی استفاده می‌کنند و برخی دیگر مثل سید صاحب عروه یا شهید صدر از روش دیگری هم بهره گرفته‌اند که ما از آنها به روش عرفی تعبیر می‌کنیم.

## روش عقلی یا فلسفی

- گفتیم روش عقلی در اینجا همان روشی است که فیلسوف و منطقی با آن به بحث می‌پردازند.
- اما آیا اصلاً کاربرد چنین روشی در اصول مجال دارد؟ آیا ما می‌توانیم از روش‌های عقلی که در منطق و فلسفه به کار می‌رود، در علم اصول هم استفاده کنیم؟